

باتوجه به اهمیت مباحث سازمان یابی کارگران و از آنجا که در سال گذشته مجال طرح لازم را نیافت، مجدداً برای دامن زدن به مباحثات کارگری در درون و بیرون ارائه می شود.

## درباره سازمان یابی کارگران

1 - مبارزه توده ای از بطن زندگی جاری بر سر خواسته های مستقیم و روزمره و یعنی از درون مناسبات سرمایه داری آغاز میشود. این مبارزه اما هم چون یک روند (پروسه) جریان دارد؛ در این روند بخش های مختلف طبقه بزرگ ما، طبقه کارگر، یعنی نیروی مبارزه علیه سرمایه داری، بسته به وضعیت و شرایط مبارزاتی خود در هر لحظه هم درگیر مبارزه بر علیه این مناسبات میشوند و هم می توانند برای رهایی و پشت سر گذاشتن این مناسبات آدمی خوارجنگند. ما که از همین امروز برای سوسیالیسم و کمونیسم مبارزه میکنیم تلاش می کنیم تا جریان این پروسه روان و مداوم باشد؛ تاجنبه های مختلف آن بر بستر مبارزه علیه مناسبات سرمایه داری گسترش یابد و از آن فراتر رود. برخلاف رفرمیست ها با بهانه "مراحل"، "دوره بندی" و هر توجیه دیگری آن را در چهارچوب مناسبات اجتماعی سرمایه داری محدود نمی کنیم. نه این پروسه را تفتیح می کنیم و نه نیروهای آن را منفک و متمایز می کنیم.

این منطق مبارزه، یعنی درهم تنیدن وجوه گوناگون اقتصادی و سیاسی و نظری و اشکال گوناگون مبارزه طبقاتی، در هر لحظه از روند سازمانیابی کارگران نیز حاکم است. سازمان یابی کارگران زمانی بر منطق مبارزه طبقاتی برای رهایی کارگران استوار است که وجوه گوناگون مبارزه طبقه بزرگ کارگر را تجزیه نکرده و برای هر کدام ریل جداگانه و تشکل خاص و جداگانه اختراع نکند. دقیقاً بر مبنای همین درهم تنیدگی است که استقلال واقعی و طبقاتی کارگران از بورژوازی و سیاستهای آن معنا می یابد.

مبارزه طبقاتی علیه سرمایه داری در عین حال شامل مبارزه درونی علیه انشقاق و تبعیض های گوناگون در میان صفوف طبقه کارگر بویژه علیه تبعیض جنسیتی بین زحمتکشان زن و مرد و بین کارگران متعلق به قوم ها و ملیتها و عقاید مختلف شده و هم چنین مبارزه علیه تخریب محیط زیست توسط سرمایه داری را نیز در بر می گیرد.

دوام سرمایه داری بر پراکندگی و دامن زدن به رقابت کارگران و محصور ماندن مبارزات آنان در محدوده تنگ کارگاه های منفرد و یا حوزه های جداگانه کارمندی است و بیشتر از آن در موجودیت انسانها در قالب "فروشنده نیروی کار" است و در عدم فرارویی مبارزات به اتحاد بزرگ طبقه کارگر، برغم گوناگونی لایه های آن، برای لغو کار مزدی و نفی طبقات ریشه دارد. از اینروست که مبارزه برای افزایش دستمزد و کاهش ساعت کار و در یک کلام رفرم هایی در چهارچوب سیستم کار مزدی هر چند بخش جدا ناپذیر از مبارزه چند وجهی جنبش کارگری است و به نوبه خود میتواند برای گسترش اتحاد و توانمندی کارگران دستاوردی باشد، اما بدون تلاش همزمان بخش های آگاه تر کارگران که در جنبشهای زنده و متنوع توده کار و زحمت حضور دارند، برای پیش روی این نبردهای پراکنده در راستای رهایی و فراتر رفتن از سرمایه داری حتی این دستاوردهای محدود نیز دوامی نخواهد داشت.

اکنون و بویژه در شرایطی که در کشور بحران سیاسی دامنه داری تداوم دارد و مناسبات پوسیده سرمایه داری فقر، بیکاری و اختلاف طبقاتی را شدت بی سابقه بخشیده است، در شرایطی که در سطح جهانی رشد مبارزات ضد سیستمی را بطور هم زمان و بی سابقه در کشورهای پیش رفته و پیرامونی سرمایه داری شاهدیم و سرمایه داری رادر بحرانی حاد می بینیم، پیوند وجوه گوناگون مبارزه طبقاتی که همواره ضروری است از شرایط مساعد تری برخوردار شده است. توجه به تجربه مردمی که در بسیاری از مناطق به ویژه در آمریکای لاتین و اروپا که "دمکراسی موجود" و ساختار سیاسی آن یعنی "نمایندگی" و پارتی رلمان را مناسب اعمال اراده خود نمی دانند و آن را رد می کنند و به

دنبال اعمال اراده خود با "دمکراسی مستقیم" هستند و دمکراسی واقعی شعار آنهاست، راهگشاست و می تواند از تکرار راههای بن بست جلوگیری کند. با تقویت همبستگی بین المللی مبارزات کارگران، این روند باز هم شتاب بیشتری می گیرد.

با این همه ما علیرغم مخالفت با محدود ماندن در مناسبات موجود، نمی توانیم و نباید آن بخش های توده ها را که بهر دلیل مبارزه خود را به خواست های رفرفی محدود میکنند از جنبش حذف و طرد کنیم و برعکس از مبارزه آنها هم حمایت می کنیم. ما این همه را با درمیان گذاشتن منافع مشترک بخش های مختلف توده عظیم کار و زحمت، علیرغم تفاوت ها و گونه گونی آن ها در درون جنبش جاری توده ای پیش می بریم و این همبستگی را با شکستن مرزهای کشوری سرمایه داری، در سطح جهانی پی می گیریم.

2- برای آنکه پروسه مبارزاتی طبقاتی- توده ای جاری باشد و در مناسبات سرمایه داری محدود نماند، علاوه بر محتوا فرم سازمان یابی و تشکل مبارزاتی نمی تواند از منطق سازماندهی و فرم های تشکل در مناسبات سرمایه داری پیروی کند. ما نباید آن فرم تشکل که سرمایه داری و دولت های آن به ما تحمیل کرده و میکند، یاد داده و یاد گرفته ایم و به آنها عادت کرده ایم را جاودانه انگاریم و به غیر از آن نوع را برای پیش برد مبارزه جمعی امان غیرممکن بدانیم. برعکس باید منطق سازماندهی و فرم های تشکل جامعه طبقاتی را نفی کنیم و با استفاده از تجربه هایی که در تاریخ مبارزه امان داشته ایم و با تلاش پیگیر آن نوع تشکل هایی را بوجود آوریم که گشاینده راه به سمت افق های مبارزاتی ما باشد.

ما که برآنیم که سوسیالیسم برعکس همه نظام های جوامع طبقاتی فقط از پائین و توسط مداخله فعال خود کارگران و استنمارشوندگان ساخته میشود، نمی توانیم بر منطق سازمانی و تشکل "از بالا به پائین" و سلسله مراتبی و عمودی یعنی منطقی که با تثبیت "نهادهای" و روال های تاکنونی که چیزی جز بوروکراسی و مناسبات بوروکراتیک نیست، حرکت کنیم. بلکه برعکس به تشکل های افقی که به دخالت احاد توده ها راه میدهد نیاز داریم. تاکید بر تشکل های افقی در عین حال به معنای پذیرش پلورالیسم و واقعیت گرایش ها و تشکل های متنوع مبارزاتی کارگران و تحکیم هماهنگی و همبستگی آنان بر اساس اشتراکات برغم تمایزات آنهاست. پذیرش پلورالیسم و گوناگونی در اشکال سازمان یابی با توجه به تنوع بسیار گسترده مزد و حقوق بگیران رسمی، شاغلین و بیکاران، کارگران موقت، نیمه وقت، انواع فعالین در کار خانگی و کارگاه های خانوادگی و ..... که در فاز جهان گستری سرمایه دامنه آن رو به گسترش است، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

ما که برآنیم که کمونیسم جنبش خودرمانی است و بر اساس مبارزه کنشگران و دخالت مستقیم و آگاهانه توده ای در هر جنبه مبارزه شکل می گیرد، نمی توانیم بر سیستم "نماینده" که حتا در بهترین حالت دموکراتیک خود، نمایندگان را فعال مایشاء می کند و توده را کنش پذیر و "پیرو" می سازد اکتفا کنیم. این سیستمی است که همیشه در زمانی که خواست تشکل مستقل در اثر مبارزه به سرمایه و دولت های آن تحمیل می شود، از جانب آنها طرح و پذیرفته می شود. چرا که با "سیستم سلسله مراتبی" اجتماعی آن ها منطبق است و میتوان با "نمایندگان" دور از چشم توده ها به مذاکره و معامله نشست. برعکس ما به فرمی از تشکل نیاز داریم که همه چیز در حضور توده ها و با بیشترین دخالت مستقیم و مشارکتی و درمجامع عمومی آنها شکل گیرد. ما به تشکل هایی نیاز داریم که در آن بحای چهره شدن "چهره ها" و "رهبران" و فعال مایشائی "نخبگان"، صحنه عمل مستقیم و فعالانه همان هایی شود که در مناسبات طبقاتی با عنوان "عوام" و "نادان" و غیره تحقیر میشوند؛ تا با عمل مستقیم و مشترک و با بهره گیری از امکانات و تلاش های یکدیگر توانا شده و خود رهانی را به جای "رها شدن" تجربه کرده و متحقق کنیم. گونه ای از تشکل و سازمان یابی که در شرایط سرکوب هم بیشترین کارایی را دارد. چرا که بر معدودی از فعالین استوار نیست که با حذف یا در بند کشیدن آنها همه چیز مختل شود.

3 - اتحادیه های متعارف و رایج کارگری، همیشه خود را در چهارچوب مناسبات سرمایه داری و قوانین موجود آن تعریف کرده و مبارزه را به فرم محدود می کنند. حتا آنها هم که عنوان

"سرخ" گرفته اند گستره مبارزه شان به بیش از مبارزه با استبداد و آپارتاید و غیره کشیده نشده و اساسا متوجه شکستن این دیواره بوده است. اتحادیه ها و سندیکاهای رایج به لحاظ سازماندهی و ساختار با منطق سازماندهی جامعه سرمایه داری منطبق اند. از این رو آنها برپایه تداوم سیستم کارگربه مثابه فروشنده نیروی کار و نه نفی این سیستم برای رهایی کار سازمان می یابند و بهمین دلیل در ساختار عمومی این جوامع جذب و حل می شوند. البته این رویکرد به مواضع حاکم، رسمی و تعریف شده آنها برمی گردد و به معنی نادیده گرفتن زمینه های مبارزه توده ای رادیکال و ازپائین علیه سیستم حاکم و نیز ساختارها و سیاست های رسمی این اتحادیه ها توسط بخش هایی از توده های کارگرموجود در این نوع تشکل ها که بویژه در مواقع تشدید بحران سرمایه داری صورت می گیرد نیست.

علاوه بر اینها اتحادیه ها خود را اساسا به مبارزه در محل کار محدود می کنند. حالا سالیانست که با واکنش سرمایه در برابر مبارزات کارگری و تغییرات در ساختار کاروتولید، محل کار علیرغم اهمیت آن دیگر آن نقش محوری سابق را ندارد.

براین اساس اتحادیه ها نمی توانند تشکل های مناسب مبارزه طبقاتی و مورد نظر ما باشند. اما همانطور که در بند 1 آمد ما با هر سطح از مبارزه آنان و یا هر تشکلی باهرنامی با همان محتوا، در جنبش مبارزه علیه سرمایه داری و بهبود شرایط زیستی خود همراهی میکنیم و بویژه از آنها در برابر هر نوع فشار و سرکوب؛ حمایت قاطع می کنیم و به سهم خویش در رادیکالیزه کرن و فراتر رفتن مبارزه از چهارچوب "رفرم درسیستم" به "مبارزه علیه سیستم" می کوشیم. ما بدون آنکه عناوین و نام ها را عمده کنیم، اساسا بر نقد مضمونی و کارکرد تا کنونی مبارزه اتحادیه های رایج و تجربه شده تاکید داریم. اما در عین حال که با نوع دیگر سازماندهی که در بالا بر شمردیم - فارغ از نام گذاری و با تاکید بر محتوا و اشکال افقی - همراه هستیم و برای تقویت و فراگیر شدن آن ها تلاش می کنیم، هم زمان برای همکاری با انواع تشکل های کارگری تا آنجا که در مبارزه علیه سرمایه حرکت میکنند، برپایه اشتراکات و گسترش اتحاد صفوف طبقاتی تلاش میکنیم.